

تأثیر برنامه عمرانی سوم (۱۳۴۶ - ۱۳۴۱) در کشاورزی ایران*

محمدعلی اکبری^۱ سعید لیلاز مهرآبادی^۲

چکیده

برنامه عمرانی سوم، تأثیرات بسیاری در ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران بر جای گذاشت. شواهد نشان می‌دهد که این جریان موج بزرگی از مهاجرت را شکل داد. این مقاله با بهره‌گیری از اسناد و آمارهای رسمی منتشر شده پیرامون طرح و اجرای برنامه عمرانی سوم بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ و تأثیرات آن و نیز اجرای طرح اصلاحات ارضی بر بخش کشاورزی ایران و آثار پیامدهای آن بر ساختارهای جمعیتی کشور نوشته شده است. همچنین کوشیده شده است تا با اتکا به اسناد رسمی، جهت‌گیری اصلی برنامه و اصلاحات ارضی در بخش کشاورزی و میزان تحقق آن مورد بررسی قرار گیرد.

واژگان کلیدی: برنامه عمرانی سوم، اقتصاد کشاورزی، اصلاحات ارضی، مهاجرت.

The Impact of The Third Economic Plan (1962-1968) in Agriculture of Iran

Mohammad Ali Akbari³ Saeed Leylaz Mehrabadi⁴

Abstract

The land reform has affected sharply the whole economic, social and political structure of Iran. evidences and figures show that this trend shaped huge wave of migration. This article, based on formal documents and Published figures discusses about the third economic plan (1962 -1968) of Iran and land reforms during same period especially on agricultural Sector of Iran and their effects on the demographical structure of the country. Also tries to investigate the main tendency of the third economic plan on land reforms in agricultural sector and scale their success on the ground.

Keywords: The third Economic Plan, Agriculture Economy, Land Reforms, Immigration.

* تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۳/۳۱

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

۲. دکتری تاریخ دانشگاه شهید بهشتی

3. Associate Professor, Department of History Shahid Beheshti University (Shahid Beheshti University, G.C.); Email: m-akbari@sbu.ac.ir

4. Ph.D in History, Shahid Beheshti University; Email: slaylaz@yahoo.com

مقدمه

تحولات اقتصادی و اجتماعی ایران در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ شمسی بر رویدادهای سیاسی منتهی به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷، تأثیر زیادی دارد. در میان این تحولات، شکل‌گیری و استقرار نظام برنامه‌ریزی اقتصادی از اواخر دهه ۱۳۳۰ به بعد نقش مهمی در جهت‌دادن تحولات یاد شده به نقطه غیرقابل بازگشت سیاسی ایفا کرده که تاکنون بنا به عللی چندان مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است. در میان پنج برنامه اقتصادی پنج تا هفت ساله که از ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۶ در کشور به اجرا درآمد، برنامه سوم عمرانی (مهرماه ۱۳۴۱ تا پایان سال ۱۳۴۶) به لحاظ سمت و سو و محتوا جایگاه ویژه‌ای دارد.

چنان‌که از نام برنامه سوم عمرانی پیداست، نخستین تجربه برنامه‌ریزی نبود، اما با تکیه بر دو برنامه پیش از خود در واقع نخستین برنامه جامع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی ایران به‌شمار می‌آید. تجربه تدوین و اجرای دو برنامه پیشین که نخستین آن از ۱۳۲۷ آغاز شد و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ناتمام ماند و دومی از سال ۱۳۳۴ تا نیمه ۱۳۴۱ ادامه یافت، به این جامعیت کمک زیادی کرد. برنامه اول عمرانی، در عمل به سبب التهابات سیاسی و اقتصادی ناشی از ملی شدن صنعت نفت ایران به اجرا درنیامد^۵ و از ۲۱ میلیارد ریال بودجه عمرانی مصوب برنامه که در پاییز ۱۳۳۱، به ۲۶ میلیارد ریال افزایش یافت، عملاً ۹ میلیارد ریال (۳۵ درصد) هزینه شد و بقیه شامل ۱۷/۲ میلیارد ریال، تحت عنوان «تعهدات برنامه اول» به اعتبارات و هزینه‌های برنامه دوم انتقال یافت.^۶

برنامه عمرانی دوم نیز عمدتاً ایجاد و توسعه یک رشته تأسیسات زیربنایی عمده را تحت چهار فصل شامل کشاورزی و آبیاری، مخابرات، صنایع معادن و امور اجتماعی (بهداشت و شهرسازی) هدف قرار داد.^۷ دستاوردهای برنامه دوم در مقایسه با برنامه عمرانی اول خیره‌کننده بود و این برنامه توفیق یافت ۷۵/۳ میلیارد ریال یعنی بیش از هشت برابر عملکرد برنامه اول را در محل‌های مصوب هزینه کند. اما این برنامه نیز از همگن بودن و ضرورت نگاه همه‌جانبه به مقوله «توسعه متوازن و پایدار» در همه ابعاد و عرصه‌ها بی‌بهره بود. به گفته منوچهر گودرزی - بنیانگذار نظام اداری سازمان برنامه در دهه ۱۳۳۰ - «در اوایل برنامه هفت ساله دوم... اشکال در این بود که غالباً طرح‌ها نه

۵. گزارش اجرایی برنامه هفت ساله دوم (تهران: سازمان برنامه، ۱۳۴۳)، ص ۳ - ۲.

۶. همان، پیوست ۱.

۷. همان، پیوست ۲.

۸. مجموعه قوانین مربوط به برنامه‌های عمرانی کشور ۱۳۶۸ - ۱۳۲۷ (بی‌نام، بی‌جا، بی‌تا)، ص ۴۶.

به صورت منظم و نه بنابر اولویت و نه بنابر ارتباطشان با یکدیگر تنظیم می‌شدند... بنابراین لازم شد علاوه بر تعلیم متصدیان دستگاه‌های اجرایی و ستادی، یک سیستم تازه تدوین و تنظیم و نیز نظارت دائمی بر طرح‌های عمرانی پایه‌ریزی شود.^۹

این تحول بنیادین، نخستین و مهم‌ترین بازتاب خود را در برنامه سوم عمرانی به جا گذاشت. تا این زمان یعنی نیمه دوم دهه ۱۳۳۰، محمدرضا شاه به عنوان اثرگذارترین فرد یا نهاد بر سازمان برنامه، هنوز به قلّه دخالت خود در جزئی‌ترین تا کلی‌ترین امور اقتصادی کشور چنان که در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ به آن رسید، نرسیده بود و سازمان برنامه هنوز می‌توانست کمابیش فارغ از دخالت‌های سیاسی به طراحی برنامه‌های عمرانی سوم و چهارم بپردازد. اثر این استقلال نسبی بر میزان توفیق برنامه‌های سوم و چهارم و توفیق اقتصاد ایران در دهه ۱۳۴۰، پیداست.

ویژگی‌های برنامه سوم عمرانی

مطابق آنچه در مقدمه این گفتار مورد بررسی قرار گرفت، برنامه اقتصادی سوم، به لحاظ تجربه و اثرگذاری ویژگی‌هایی به نسبت دو برنامه پیشین داشت. برخی از ویژگی‌های بارز این برنامه عبارت بودند از:

جامع‌نگری

به لحاظ جامعیت و یکپارچه‌نگری، برنامه سوم عمرانی، نخستین برنامه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سنت برنامه‌نویسی ایران به شمار آورد. جامعیت برنامه‌نویسی و اولویت‌بندی طرح‌ها و هدف‌گذاری‌های برخاسته از آن به یکی از ابتکارات چشم‌گیر و منحصر به فرد برنامه سوم عمرانی تحت عنوان «هسته، غیر هسته» تبدیل شد. مطابق این ابتکار، طرح‌های عمرانی در هر بخش به گونه‌ای دسته‌بندی و تنظیم شد که در صورت کاهش منابع مانند تجربه دو برنامه پیشین، نظم و هماهنگی درونی برنامه درهم نمی‌ریخت و در پایان برنامه، پدیده‌ای به نام طرح‌های عمرانی نیمه‌تمام باقی نمی‌ماند. هم‌چنین، اولویت طرح‌ها تحت عنوان «هسته» یعنی طرح‌های مهم و «غیر هسته» یعنی طرح‌های با اهمیت کمتر برای مجریان و مسئولان روشن شده بود و با هر مقدار منابع، پیش‌برد مهم‌ترین اولویت‌ها به سادگی ممکن می‌شد.^{۱۰}

مطابق این تعریف و تفکیک، از مجموع ۱۹۰ میلیارد ریال بودجه برنامه عمرانی سوم، ۷۱

۹. خداداد فرمانفرمایان، عبدالمجید مجیدی و منوچهر گودرزی، توسعه در ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰، (تهران: گام نو، ۱۳۸۱)، ص ۶۶.

۱۰. گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم ایران (تهران: سازمان برنامه، ۱۳۴۰)، ص ۴۹.

درصد از اعتبارات بخش کشاورزی، ۵۹ درصد از اعتبارات صنعت، ۴۹ درصد از اعتبارات ارتباطات و مخابرات و ۷۸ درصد از اعتبارات امور اجتماعی به هسته، و بقیه به غیر هسته اختصاص یافت.^{۱۱} هم‌چنین قرار شد ۶۰ درصد کل اعتبارات برنامه عمرانی سوم به طرح‌های هسته اختصاص یابد.^{۱۲} ابتکار دسته‌بندی طرح‌ها به هسته و غیرهسته نشان‌دهنده تکامل چشم‌گیر نظام برنامه‌ریزی ایران در مدتی بسیار کوتاه (یک دهه) بود.

اولویت بخش کشاورزی

برخلاف یک سوء تفاهم بزرگ در تاریخ معاصر ایران، برنامه عمرانی سوم، در پیش‌نویس‌ها، مقدمه، قانون و جداول و اعتبارات مصوب، به روشنی بهبود وضع کشاورزی و ارتقاء معیشت کشاورزان و روستائیان را در مرکز توجه قرار داده بود. مطابق اسناد برنامه، هدف اصلی برنامه چنین بود:

افزایش درآمد ملی کشور به میزان لااقل ۶ درصد در سال» تعیین می‌شد. اما نیم قرن پیش یعنی در اواخر دهه ۱۳۳۰، طراحان برنامه دریافته بودند که «جمعیت ایران نیز مانند غالب کشورهای کم‌رشد، اکثر روستائین و فقیر است. لازمه پیشرفت کشور این است که گروه‌های بزرگی از این جمعیت تدریجاً دست از مشاغل روستایی کشیده به‌سوی سایر مشاغل روی آورند و در عین حال پیشرفت صنعتی کشور باید آن‌چنان باشد که بتواند به آسانی برای این دسته از کارگران شغل ایجاد کند. لازمه این امر هم‌چنین افزایش قدرت تولید زمین و کارگران کشاورزی است. امروز متجاوز از ۶۰ درصد جمعیت کشور مستقیماً از طریق تولید کشاورزی امرار معاش می‌کنند ولی حاصل تولید این عمده عظیم کمتر از ۴۰ درصد تولید ملی را تشکیل می‌دهد.^{۱۳}

از این روشن‌تر نمی‌شد ضرورت بهبود فوری و بنیادین شرایط اقتصادی و معیشتی کشاورزان و روستائیان را یادآوری کرد. در جهت تحقق اولویت بخش کشاورزی و تبلور آن در تخصیص اعتبارات عمرانی حدود ۵۰ درصد برنامه «هسته» مستقیماً به نواحی روستایی اختصاص یافت و چنین مقرر شد:

بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه فرهنگ و بهداشت که جمعاً متجاوز از ۲۵ میلیارد ریال است در دهات، صرف شود. اجرای برنامه فرهنگ که بیشتر متوجه تعلیمات ابتدایی... می‌باشد، مستلزم آن خواهد بود که توجه مسئولین برنامه، از شهرها که فعلاً ۸۰ درصد اطفال آن به مدرسه می‌روند، به دهات معطوف

۱۱. گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم ایران، ص ۵۰ تا ۵۲.

۱۲. همان، ص ۵۰.

۱۳. همان، ص ۲۰.

گردد. به همین ترتیب چون تأکید برنامه بهداشت روی طب پیشگیری است، قسمت عمده آن در نواحی روستایی اجرا خواهد شد.^{۱۴}

حدود ۳۳/۵ درصد کل اعتبارات نیروی انسانی برنامه، به تعلیمات متوسطه و عالی کشاورزی اختصاص یافت.^{۱۵} مقرر شد تولید محصولات کشاورزی در طول برنامه سالانه به طور متوسط ۴/۱ درصد افزایش یابد که ۲۵ درصد بیش از افزایش سالانه در دوره ۱۳۳۷ - ۱۳۲۹ (۳/۳ درصد در سال) و ۱۴ درصد بیش از رشد سالانه تولید کشاورزی کشورهای خاورمیانه در همین دوره بود. در مقایسه با رشد ۲/۵ درصدی جمعیت کشور، عملکرد بخش کشاورزی حتی در دهه ۱۳۳۰ نیز منفی نبود و قرار بود بهتر نیز بشود.^{۱۶}

با هدف دستیابی به نقاط تعیین شده، در نهایت اعتبارات بخش کشاورزی هم از نظر مقدار و هم سهم در کل اعتبارات به طرز چشم‌گیر افزایش یافت و به ۴۷/۹ میلیارد ریال رسید که معادل ۲۱/۵ درصد کل اعتبارات برنامه بود.^{۱۷} این رقم نسبت به عملکرد برنامه دوم به طور متوسط معادل ۱۶۰ درصد افزایش داشت. در گزارش مقدماتی برنامه سوم، درباره اولویت بخش کشاورزی، چنین آمده است: «برنامه‌های روستایی به هیچ وجه از نظر مالی محدودیتی نخواهد داشت و تا سر حد ظرفیت خود از اعتبارات کافی برخوردار خواهد گردید.»^{۱۸} معمار اصلی برنامه سوم، خداداد فرمانفرمایان نیز در خاطرات شفاهی خود به یاد می‌آورد که قرار بود در صورت جذب هر مقدار اعتبار در بخش کشاورزی «از جایی دیگر، سکتور [بخش] دیگر بزنیم، بدهیم به کشاورزی.»^{۱۹}

اصلاحات ارضی

به مثابه یکی از پروژه‌های اقتصادی عظیم با آثار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، اصلاحات ارضی در برنامه عمرانی سوم یکی از پیش‌شرط‌های مهم هرگونه توفیق در اجرای برنامه‌های اقتصادی کشور شمرده می‌شد. پیش‌گفتار قانون برنامه سوم عمرانی تصریح می‌کند که «در شرایط فعلی از نظر بازده، سرمایه‌گذاری در کشاورزی عمقی (عملیات مربوط از دیاد بازده زمین زیرکشت) در درجه اول اهمیت قرار دارد و صرفاً به سبب محدودیت در قدرت جذب سرمایه‌های هنگفت است که در

۱۴. گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم ایران، ص ۵۶، ۵۷.

۱۵. همان، ص ۶۵.

۱۶. همان، ص ۹۸ و ۹۹.

۱۷. گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم، ۱۳۴۶ - ۱۳۴۱، (تهران: سازمان برنامه، بی‌تا)، ص ۲۱.

۱۸. گزارش مقدماتی برنامه سوم عمرانی ایران، ص ۵۳.

۱۹. فرمانفرمایان، مجیدی و گودرزی، ص ۲۲۷.

برنامه سوم... ناچار سرمایه‌گذاری باید متوجه رشته‌های صنعتی شود.^{۲۰} در همین سند، اجرای لایحه قانون اصلاحات ارضی مصوب ۱۳۴۰/۱۰/۲۵ به عنوان مهم‌ترین اقدام لازم برای موفقیت برنامه، معرفی شد که مشتمل بر ۳۸ ماده به تصویب هیأت وزیران و امضای شاه رسیده بود.^{۲۱} طبق این لایحه هیچ مالکی نمی‌توانست بیش از یک ده شش دانگ داشته باشد. بقیه اموال مالکان توسط وزارت کشاورزی خریداری و بین زارعان هر ملک تقسیم می‌شد.^{۲۲} شاه در موقعیتی متناقض برای برخورد با موضوع اصلاحات ارضی، قرار داشت. از یک سو او خود طرفدار اصلاحات ارضی بود و دو دهه زودتر، این اصلاحات را با تقسیم اموال متعلق به خانواده سلطنتی آغاز کرده بود^{۲۳} و از سوی دیگر پیش‌برد این طرح در سازمان برنامه را محصول حضور گروه مشاوران آمریکایی در سازمان برنامه و نتیجه فشارهای دولت جان. اف. کندی برای انجام اصلاحات سیاسی و اقتصادی در ایران می‌دانست.^{۲۴}

این احساسات دوگانه و متضاد در شخص شاه از یک سو او را به اجرای اصلاحات ارضی و پیشگام شدن در این عرصه تشویق می‌کرد و از سوی دیگر به نگرانی وی از فشارهای دولت آمریکا برای روی کار آوردن دولت‌های مستقل از دربار و متکی به ایالات متحده دامن می‌زد. در نهایت شاه با وجود تأکید همه پیش‌نویس‌ها با گنجاندن اصل مهم اصلاحات ارضی در برنامه عمرانی سوم مخالفت ورزید. سپس کمتر از ۵ ماه پس از شروع برنامه، این اصلاحات را تحت عنوان «انقلاب» و به ابتکار خود اعلام و آغاز کرد و به این ترتیب هر دو گروه طرفدار آمریکا را در سازمان برنامه و دولت از صحنه سیاسی ایران بیرون راند. به گفته مجیدی: «در بهمن ماه ۱۳۴۱ یعنی در شش ماهه اول برنامه سوم، اصلاحات ارضی با انقلاب ۶ بهمن ماه اعلام شد، در حالی که در برنامه سوم برای اجرای آن نه اعتباری پیش‌بینی شده بود، نه یک چنین تغییری در برنامه بخش کشاورزی گذاشته بود.»^{۲۵}

بنا به شواهد موجود شاه به اهمیت مسأله کشاورزی توجه داشت و از همین رو در دوره اجرایی برنامه سوم به امر اصلاحات ارضی اهتمام می‌ورزید و معتقد بود:

۲۰. پیش‌گفتار قانون برنامه عمرانی مسأله سوم کشور (تهران، سازمان برنامه، ۱۳۴۰)، ص ۳.

۲۱. همان، ص ۳.

۲۲. باقر عاقلی، روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، ج ۲، (تهران: نامک، ۱۳۷۹)، ص ۱۳۴.

۲۳. پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران معاصر، ترجمه احمد گل محمدی و محمد

ابراهیم فتاحی (تهران: نشر نی، ۱۳۷۷)، ص ۵۰۳.

۲۴. همان، ص ۵۱۹ تا ۵۲۰؛ همچنین نک: فرمانفرمائیان، مجیدی و گودرزی، ص ۹۹ - ۹۶.

۲۵. فرمانفرمائیان، مجیدی و گودرزی، ص ۳۴۷.

ما باید حداکثر تسهیلات را برای کمک به کشاورزان فراهم کنیم زیرا فلسفه دولت ایران خدمت به اکثریت مردم است و اکثریت مردم را کشاورزان تشکیل می‌دهند.... [شما اعضای دولت] فراموش نکنید اصل وجودی شما خدمت به این طبقه (کشاورزان) است و شما باید نماینده منافع آنها یعنی اکثریت ملت باشید.^{۲۶}

افزایش سهم دولت در اقتصاد

ورود عنصر برنامه‌ریزی به ساختار اقتصادی ایران، طبعاً به بزرگ‌تر شدن سهم دولت در اقتصاد ملی انجامید، حتی اگر طراحان برنامه چنین چیزی را نمی‌خواستند به دو علت از بزرگ‌تر شدن سهم دولت در اقتصاد ملی (هم در طراحی و هم اجرای برنامه) گریزی نبود: نخست آن که اساساً برنامه‌ریزی اقتصادی نمی‌تواند «دولت محور» نباشد و دوم آن که به‌طور خاص در مورد ایران، اتکای اصلی برنامه دولت به درآمدهای نفتی بود که دولت را به فکر برنامه‌ریزی اقتصادی انداخت. در واقع از همان آغاز، ورود عنصر نفت به اقتصاد، طبعاً بر حجم فعالیت دولت با سرعتی بیش از سرعت متوسط رشد اقتصادی کشور می‌افزود و سهم آن را در اقتصاد ایران بیشتر می‌کرد. شواهد نشان می‌دهد که فکر دخالت بیشتر دولت در اقتصاد، حتی در میان نخبگان تحصیل کرده در آمریکا با تفکر آمریکایی نیز هواداران بسیار داشت.^{۲۷} شاه نیز خود هوادار جدی دخالت و حتی داشتن سهم اصلی دولت در پیش‌برد امور اقتصادی بود و در برخی امور مانند تجارت خارجی یا صنایع سنگین به بخش خصوصی اجازه مشارکت در سرمایه‌گذاری نمی‌داد.^{۲۸}

در عمل به سبب تمرکز برنامه‌های عمرانی بر احداث زیر ساخت‌ها و صنایع سنگین، نقش دولت و سهم آن در اقتصاد ملی نمی‌توانست در خلال اجرای برنامه‌ها افزایش نیابد. ظرف سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۱ سرمایه‌گذاری بخش خصوصی به ۱۳۴ میلیارد ریال رسید، اما در همین دوره سرمایه‌گذاری دولت به ۱۵۰ میلیارد ریال بالغ شد.^{۲۹} با وجود این در برنامه عمرانی سوم چنین پیش‌بینی شده بود: «توسعه صنعتی در بخش خصوصی به طرز شایسته‌تری از بخش دولتی صورت می‌گیرد و بنابراین کمک به صنایع بخش خصوصی در «هسته» برنامه گنجانده شده است.»^{۳۰} اما همان‌جا

۲۶. غلامرضا نیک‌پی، صورت جلسات شورای اقتصاد در پیشگاه شاهنشاه آریامهر یا مجموعه‌ای از اسناد تاریخ معاصر ایران،

ج ۲ (بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا)، ص ۹۴ - ۹۲.

۲۷. فرمانفرمایان، مجیدی و گودرزی، ص ۱۹۹ و ۲۰۰.

۲۸. نیک‌پی، ص ۶۰، ۶۳، ۶۷.

۲۹. گزارش اجرایی برنامه هفت ساله دوم، پیوست ۶.

۳۰. گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم ایران، ص ۵۲.

اعتبار صنایع و معادن خصوصی ۸/۲ میلیارد ریال و اعتبار مشابه دولتی ۱۷/۴ میلیارد ریال (۱۱۲) درصد بیشتر) منظور شد.^{۳۱}

عملکرد برنامه عمرانی سوم

شاخص‌های کلان

در مهم‌ترین جنبه‌ها و اهداف کمی و کیفی، برنامه عمرانی سوم در طول پنج سال و نیم فعالیت به بسیاری اهداف مقرر دست یافت. مهم‌ترین هدف برنامه، رسیدن به نرخ رشد اقتصادی متوسط سالانه شش درصد برای ۵/۵ سال بود که منبع و مأخذ منابع دیگر برنامه به‌شمار می‌آمد. عملکرد این شاخص از ارقام پیش‌بینی شده عبور کرد و به ۸/۸ درصد رسید که در جدول زیر نشان داده شده‌است.

جدول ۱: سهم تولید بخش‌های عمده اقتصاد در تولید ناخالص ملی به قیمت ثابت در

برنامه عمرانی سوم (ارزش به میلیارد ریال)^{۳۲}

| رشد متوسط سالانه | ۱۳۴۶ | | ۱۳۴۱ | | |
|------------------|------------|-------|------------|-------|--------------------------------|
| | درصد به کل | ارزش | درصد به کل | ارزش | |
| ۲/۸ | ۲۳/۴ | ۱۱۵/۸ | ۳۰/۹ | ۱۰۱ | کشاورزی و دامپروری |
| ۱۲/۷ | ۱۴/۴ | ۷۱/۲ | ۱۲ | ۳۹/۱ | صنایع و معادن |
| ۱۱/۴ | ۶/۱ | ۳۰ | ۵/۳ | ۱۷/۵ | ساختمان |
| ۱۴/۵ | ۱/۲ | ۶/۱ | ۰/۹ | ۳/۱ | آب و برق |
| ۱۳/۶ | ۱۴/۵ | ۷۱/۷ | ۱۱/۶ | ۳۸ | نفت (سهم ایران) |
| ۹/۳ | ۴۰/۴ | ۱۱۹/۸ | ۳۹/۳ | ۱۲۸/۳ | سایر |
| ۸/۶ | ۱۰۰ | ۴۹۴/۶ | ۱۰۰ | ۳۲۷ | تولید ناخالص ملی به قیمت عوامل |
| ۸/۸ | - | ۵۳۴/۶ | - | ۳۵۰ | تولید ناخالص ملی به قیمت بازار |

۳۱. گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم ایران، ص ۵۱.

۳۲. گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم ۱۳۴۱-۱۳۴۶.

چنان که جدول شماره یک نشان می‌دهد، بیشترین رشد در برنامه به بخش زیر بنایی آب و برق تعلق گرفت که متوسط رشد آن به ۱۴/۵ درصد در این دوره رسید. اما برنده اصلی برنامه سوم، بخش نفت بود که در طول اجرای برنامه با رشد سالانه ۱۳/۶ درصد سهم خود را در اقتصاد ایران از ۱۱/۶ درصد به ۱۴/۵ درصد رساند. متوسط رشد تولید نفت خام در این سال‌ها ۱۴/۷ درصد در سال بود که تولید نفت خام کشور را از ۷۵/۶ میلیون متر مکعب به ۱۵۲ میلیون متر مکعب (دو برابر)، طی سال‌های اجرای برنامه افزایش داد.

نکته مهم در مورد بخش نفت این است که طی این سال‌ها، سهم نفت چه در درآمدهای ارزی و چه تأثیر آن بر واردات دائماً رو به افزایش گذاشت. از این لحاظ عملکرد برنامه عمرانی سوم را باید نقطه آغازین روندی به‌شمار آورد که تا این زمان ادامه یافت و تمام شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران را به عنصر نفت آلوده کرد. سهم نفت در صادرات کشور که در سال ۱۳۳۸ حدود ۷۴/۲ درصد بود، در سال ۱۳۴۱ به ۸۰ درصد و در سال ۱۳۴۶ به ۸۳ درصد رسید.^{۳۳} یکی از شاخص‌هایی که در همان سال‌ها تحت تأثیر تسلط نفت بر اقتصاد ایران قرار گرفت، افزایش شدید واردات و به موازات آن تبدیل مازاد تراز بازرگانی و حساب جاری ارزی کشور به کسری بود که ابتدا در سال‌های ۱۳۴۳ و ۱۳۴۵ منفی شد و سپس در بیشتر سال‌های پس از آن ادامه یافت.^{۳۴}

پس از نفت بیشترین رشد نصیب بخش صنایع و معادن شد. متوسط رشد سالانه این بخش در برنامه سوم عمرانی به ۱۲/۷ درصد بالغ شد و ارزش افزوده آن از ۳۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۱ به ۷۱ میلیارد ریال در سال ۱۳۴۶ رسید. برعکس و با وجود همه تأکیدها، رشد بخش کشاورزی ناچیز از آب درآمد و سهم آن از ۳۱ درصد ابتدای برنامه به ۲۳/۴ درصد در پایان آن سقوط کرد. با این همه حتی در پایان سال ۱۳۴۶ نیز هنوز ۴۶ درصد شاغلان کشور در بخش کشاورزی مشغول بودند که به معنای بیشترین و ژرف‌ترین تمرکز فقر بود.^{۳۵}

کشاورزی و اصلاحات ارضی

با وجود این که بیشترین توجه در برنامه عمرانی سوم بر بخش کشاورزی تمرکز یافت، کمترین رشد نصیب این بخش شد. چنان که بیان شد، اصلی‌ترین هدف شبه‌ایدئولوژیک برنامه سوم بهبود معشیت روستائیان ایران به عنوان دو سوم جمعیت کشور بود. همچنین این برنامه به ایجاد امکاناتی

۳۳. حساب‌های ملی ایران ۱۳۵۶ - ۱۳۳۸ (تهران: بانک مرکزی ایران، ۱۳۶۰)، ص ۵۰، ۹۴ و ۹۵، ۴۵۱ - ۴۴۸.

۳۴. گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم، ص ۲۳.

۳۵. همانجا.

برای به کار افتادن استعدادهای فردی از طریق اصلاحات ضروری خصوصاً در زمینه کشاورزی، توسعه صنایعی که به توسعه کشاورزی و تهیه ابزار و وسایل کشاورزی کمک می‌کند،^{۳۶} و دهها اشاره تلویحی دیگر بر ضرورت بهبود کشاورزی و روستا اشاره دارد. در حالی که در عمل و اجرا، به جای رشد ارزش افزوده سالانه ۴ درصد، ۲/۵ درصد تحقق یافت. سند رسمی سازمان برنامه، علت اصلی این ناکامی را «خشکسالی شدید در سراسر کشور در طول سه سال از پنج سال اجرای برنامه» و نیز عدم استقبال بخش خصوصی از سرمایه‌گذاری برای این بخش ذکر کرده و در عین حال از دولت انتقاد می‌کند که «برای جبران کمبود سرمایه‌گذاری بخش خصوصی اقدام مؤثری به عمل نیاورد و حتی از سرمایه‌گذاری‌هایی که در ساختمان سدها شده بود به طور کامل بهره‌برداری نکرد.»^{۳۷} با توجه به فضای سیاسی حاکم بر روابط و مناسبات کارشناسی دولت در سال‌های بعد، پیداست که در این سال‌ها هنوز سازمان برنامه، امکان انتقاد از عملکرد دولت را در اسناد رسمی خود داشت.

با وجود این ناکامی، اعتبارات عمرانی این بخش، هم در آبیاری و هم در عمران روستایی و کشاورزی، به طور کامل اختصاص یافت و هزینه شد. از مجموع ۴۸ میلیارد ریال اعتبار عمرانی مصوب این بخش، حدود ۹۸/۶ درصد هزینه شد که انطباق استثنایی عملکرد را با برنامه به نمایش می‌گذارد. شاید یکی از عوامل ناکامی نسبی برنامه سوم در بخش کشاورزی، تمرکز اعتبارات این بخش در حوزه آبیاری بود که طبعاً نمی‌توانست در کوتاه مدت به نتیجه برسد. از مجموع ۴۷ میلیارد ریال اعتبار هزینه شده بخش کشاورزی، ۴۶ درصد آن (حدود ۲۲ میلیارد ریال) صرف امور آبیاری شد و بیش از ۶۱ درصد از این هزینه به تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام برنامه دوم اختصاص یافت و فقط ۶۶۵ میلیون ریال یعنی ۳ درصد کل اعتبارات بخش کشاورزی به مصرف طرح‌های پایین دستی امور آب مانند چاه و اصلاح قنوات رسید. در عوض، تمرکز بر ساخت سدها و تأسیسات آبرسانی کشاورزی و آبیاری موجب شد تا ۷ سد بزرگ با ظرفیت کل بیش از ۴ میلیارد متر مکعب ذخیره آب و حجم سالیانه تنظیم شده ۳/۳ میلیارد متر مکعب، ساخته شود که قابلیت به زیر کشت بردن ۴۲۷ هزار هکتار زمین آبی و تولید ۱۱۶ هزار کیلو وات برق را داشتند.^{۳۸}

اصلاحات ارضی در مناسبات روستایی و کشاورزی ایران، نخستین بار در نیمه دوم دهه ۱۹۵۰ میلادی (دهه ۱۳۳۰ ش) در محافل سیاسی و دانشگاهی ایالات متحده و در چهارچوب تلاش

۳۶. پیشگفتار قانون برنامه عمرانی ۵ ساله سوم کشور، خلاصه برنامه صنایع و معادن (تهران: سازمان برنامه، ۱۳۴۰)، ص ۱.

۳۷. گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم، ص ۲۹.

۳۸. همان، ص ۴۲.

آمریکا برای جلوگیری از بروز انقلاب و نفوذ کمونیسم به ایران مطرح شد. خداداد فرمانفرمائیان معاون و سپس رئیس وقت سازمان برنامه به خاطر می‌آورد که «آمریکایی‌ها از زمان آیزنهاور روی این مطلب فشار آورده بودند و همه‌مان می‌دانستیم که اصلاً آمریکایی‌ها این برایشان یک مسأله اساسی شده بود که باید این عمل انجام شود.»^{۳۹} عبدالمجید مجیدی نیز می‌افزاید که پس از به قدرت رسیدن دمکرات‌ها در بهمن ۱۳۳۹ (ژانویه ۱۹۶۱ میلادی) فشار برای پیش‌برد پروژه اصلاحات ارضی افزایش یافت: «بدون این که مسأله خیلی جنبه رسمیت پیدا کند، کاملاً در سازمان برنامه ما حس می‌کردیم که با انتخاب کندی، گروه هاروارد (مشاور آمریکایی سازمان برنامه) قاطع‌تر از پیش نظرش را ابراز می‌دارد.» نظری که در آن «خصوصاً به اصلاحات ارضی و توسعه روستایی و صنایع روستایی خیلی توجه شده بود.»^{۴۰}

در چهارچوب این جهت‌گیری انجام اصلاحات ارضی در پیشنهاد گروه مشاوران دانشگاه هاروارد سازمان برنامه و سپس گزارش‌های مقدماتی برنامه عمرانی سوم گنجانده شد. اما ناگهان شاه که خود پیش از دولت کندی و حتی آیزنهاور، در سال ۱۳۲۸ واگذاری زمین‌های سلطنتی به زارعین را انجام داده بود، به علل سیاسی و ترس از نفوذ آمریکا در ایران، با طرح اصلاحات ارضی مخالفت کرد و به دستور او این طرح از متن برنامه حذف شد و سپس تحت عنوان «انقلاب سفید» و خارج از برنامه سوم به اجرا درآمد.

جالب اینجاست که هم‌زمان با حضور شاه در ساختمان سازمان برنامه و دستور صریح وی برای حذف اصلاحات ارضی از برنامه سوم یعنی در اواخر اسفند ۱۳۴۰، اسناد مالکیت زمین‌های زراعی شهر مراغه رسماً و با امضای مالکان بزرگ این شهر به مالکیت کشاورزان درآمد. شاه در این مراسم ضمن ایراد یک سخنرانی مفصل، با ابراز این که «وظیفه خاصی» نسبت به طبقه کشاورز در خود احساس می‌کند و سلطنت بر یک مشت مردم فقیر و احیاناً گرسنه برای او افتخاری ندارد، خود را مبتکر و پیشگام طرح اصلاحات ارضی معرفی و دولت مصدق را به کارشکنی در راه اجرای آن در واگذاری زمین‌های کشاورزی سلطنتی متهم کرد و وعده داد اصلاحات ارضی بزودی به طور کامل در همه جای ایران اجرا خواهد شد.^{۴۱}

عبدالمجید مجیدی به خاطر می‌آورد که در جلسه «بررسی برنامه سوم عمرانی» در اسفند ۱۳۴۰

۳۹. فرمانفرمائیان، مجیدی و گودرزی، ص ۲۳۷.

۴۰. همان، ص ۳۴۴ و ۳۴۷.

۴۱. نورالدین ارسنجانی، دکتر ارسنجانی در آئینه زمان، چ ۱ (تهران: قطره، ۱۳۷۹)، ص ۴۲۲.

در سازمان برنامه، «[محمدرضاشاه] در واقع یک گردش ۱۸۰ درجه کردند و روی نیازهای دفاعی مملکت، موقعیت ایران در ناحیه خاورمیانه و این که بایستی نیروی دفاعی تقویت بشود و آن وقت هست که ما می‌توانیم به سایر مسائل برسیم و توجه کنیم صحبت کردند.»^{۴۲}

چنان که رویدادهای زنجیره‌وار و عظیم بعدی نشان می‌دهد، انحراف از برنامه یگانه پیامد این تصمیم نبود. در بهمن ۱۳۴۱ فرماندوم برای تصویب «انقلاب شاه و ملت» برگزار شد و مخالفان رژیم را حول محور خود متحد کرد. مخالفان، اصلاحات ارضی را بهانه‌ای برای «تبدیل رسمی رژیم مشروطیت و دموکراسی به استبداد و ارتجاع» می‌خواندند.^{۴۳}

با وجود همه فراز و نشیب‌ها، چرخش‌های ناگهانی، مخالفت‌ها و سرانجام جای خالی اصلاحات ارضی در برنامه سوم، منابع و اسناد رسمی سازمان برنامه انجام این اصلاحات را از جمله موفقیت‌های چشم‌گیر سازمان برنامه در برنامه عمرانی سوم ذکر کرده‌اند: «اجرای سریع و موفقیت‌آمیز قوانین اصلاحات ارضی موجب شد که اصول کهنه فئودالیزم و آثار آن ریشه‌کن شود ... تا پایان سال ۱۳۴۶ تعداد ۵۳۵۹۰ قریه و ۱۸۸۸۳ مرزعه مشمول قانون شد و مالکان و دهقانان آنها یکی از شقوق سه‌گانه را طبق مفاد قانون انتخاب نمودند و بدین ترتیب تکلیف قانونی ۲۴۱۴۴۴۷ خانوار زارع معلوم و معین گشت.»^{۴۴} در سرشماری سال ۱۳۴۵، تعداد کل شاغلان بخش کشاورزی ایران ۳۱۶۸۰۰۰ نفر برآورده شد. حتی اگر تعداد افراد شاغل در هر خانوار روستایی ایران در آن روزگار یک نفر به‌شمار آید، اجرای دو مرحله اصلاحات ارضی در مدت کمتر از ۵ سال و در برگیری آن برای حدود ۷۶ درصد کل شاغلان بخش کشاورزی ایران یک موفقیت استثنایی است. با احتساب شاغلان بخش دامپروری و ماهی‌گیری و نیز در نظر گرفتن هر خانوار کشاورز بیش از یک شاغل می‌توان حدس زد که عملکرد برنامه اصلاحات ارضی در ۵ سال (۱۳۴۶ - ۱۳۴۲) همه کشاورزان ایران را در بر گرفته است. کمتر دوره‌ای در تاریخ معاصر ایران بوده که دستگاه اداری کشور توانسته باشد تا این حد عمیق و سریع کار کرده باشد.

در همین دوره و با توجه به علاقه‌مندی شاه به تشکیل شرکت‌های بزرگ زارعی به تقلید از تجربه ایالات متحده آمریکا^{۴۵} متجاوز از ۷۶۴۰ شرکت با ۱۱۰۴۴۳۱ نفر عضو و ۸۱ اتحادیه با

۴۲. فرمانفرمایان، مجیدی و گودرزی، ص ۳۴۷.

۴۳. مهدی بازرگان، خاطرات بازرگان: شصت سال خدمت و مقاومت، به کوشش غلامرضا نجاتی (تهران: خدمات فرهنگی رسا،

۱۳۷۷)، ص ۳۸۸.

۴۴. گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم، ص ۳۰.

۴۵. نیک‌پی، ص ۳۶، ۷۵، ۸۴، ۸۶ و ۱۶۸.

عضویت ۵۹۸۵ شرکت تعاونی نیز شکل گرفت. هم‌چنین پرداخت وام به کشاورزان نیز سرعت گرفت و جمعاً به مبلغ ۱۱/۱ میلیارد ریال در قالب ۲/۲ میلیون فقره وام بالغ شد. عملکرد بانک کشاورزی در مقایسه با کارنامه ۳۰ سال قبل، از نظر تعداد ۴/۷ برابر و از نظر ارزش ۳۷ درصد، افزایش نشان می‌دهد.^{۴۶}

صرف نظر از اعداد و ارقام، منابع دیگر نیز از تحولی ژرف در مناسبات مربوط به مالکیت اراضی کشاورزی ایران در مدتی کوتاه، و بر هم خوردن روالی چند هزار ساله بدون برخورد های اجتماعی و سیاسی بسیار بزرگ یا شدید، خبر می‌دهند. آبراهامیان درباره مسائل جمعیتی چنین اظهار نظر کرده است:

گرچه فرآیند اصلاحات ارضی در عمل و پس از کنار رفتن دولت امینی و وزیر کشاورزی جنجالی او حسن ارسنجان‌ی تعدیل و شماری از زمین‌داران بزرگ قادر به حفظ اراضی خود شدند، اما نسبت کشاورزان مستقل به کل جمعیت روستایی که پیش از اصلاحات ارضی کمتر از ۵ درصد بود، پس از اصلاحات ارضی به ۷۶ درصد جمعیت روستایی رسید.^{۴۷}

عملکرد نسبتاً سریع و موفق در کنار عنوان توده‌گرایانه «اصلاحات ارضی» به نیروهای مخالف رژیم اجازه نمی‌داد این اصلاحات را در ذات آن مورد طعن و سرزنش قرار دهند. بیژن جزنی در تحلیل این عملکرد می‌نویسد: «پس از آن که این مقاومت‌های مالکین بزرگ درهم شکسته شد، در اواخر سال ۴۳ مرحله دوم قدم مهمی به جلو برداشت و کلیه اراضی بزرگ فئودال‌ها را مشمول تقسیم اراضی و به اصطلاح راه‌حل‌های پنج‌گانه کرد. سرانجام در مراحل بعدی روابط فئودالی در حیطه روستاهای ایران ملغی شد.» وی در تحلیل خود فصل کاملی را به پاسخ دادن این پرسش اختصاص داده و بیان می‌کند «که چه عواملی امکان داد تضاد به صورت مسالمت‌آمیز حل شود.»^{۴۸} وی مرحله‌ای بودن اصلاحات و نتایج آن به علاوه کانالیزه شدن فئودال‌ها در جهت بورژوازی کمپرادور را به عنوان پاسخ مطرح می‌کند. حتی حزب توده نیز در اعلامیه خود به مناسبت برگزاری فراندوم ۶ بهمن ۱۳۴۱ تحت عنوان «مضحکه فراندوم شاه» اصل اصلاحات ارضی را مورد پشتیبانی قرار داد؛ اما آن را ناکافی، نمایشی و پوشش برای استبداد پهلوی توصیف کرد.^{۴۹}

بزرگ‌ترین انتقادی که به طرح اصلاحات ارضی تا سال‌های بعد وارد شد، کوچک شدن زمین‌هایی بود که پس از تقسیم به هر خانوار روستایی می‌رسید و گفته می‌شد چون تکافوی حداقل

۴۶. گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم، ص ۳۰.

۴۷. آبراهامیان، ص ۵۲۷.

۴۸. بیژن جزنی، تاریخ وقایع سی ساله سیاسی اخیر در ایران (تهران: مازیار، بی‌تا)، ص ۶۷ - ۶۸.

۴۹. قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱ (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸)، ص ۴۷۳ - ۴۷۲.

نیازهای معیشتی آنان را نمی‌کرد، به مهاجرت گسترده آن‌ها به شهرها، متروک ماندن روستاها و تضعیف بنیه کشاورزی کشور می‌انجامید.

به نوشته جهانگیر آموزگار در پایان مرحله دوم اجرای اصلاحات ارضی و تکمیل آن «در حدود دو سوم از خانوارهای روستایی ایران هر یک صاحب ۱۲ جریب زمین شدند که محصول آن در بخش‌های خشک و بی‌آب کشور کفاف معیشت یک خانوار را نمی‌داد.»^{۵۰} آبراهامیان نیز می‌گوید: «گرچه اصلاحات ارضی شمار دهقانان صاحب زمین را بالا برد، نتوانست به آنان زمین کافی بدهد تا به کشاورزانی توانا و متکی به خود تبدیل شوند.»^{۵۱} این کاهش معلول اصلاحات ارضی یا روش انجام آن نبود، بلکه از ذات موقعیت اقلیمی روستاهای ایران و ساختار جمعیتی آن ناشی می‌شد. در منطقه اقلیمی خشک اغلب روستاهای ایران، از دیرباز زمین به اندازه کافی وسیع و حاصلخیز نبوده است تا بتواند همه جمعیت خانوار را به اندازه کافی و تناسب با رشد آن تأمین و تغذیه کند. به علاوه، به نظر می‌رسد این فرآیندی جهانی - حتی در مناطق حاصل خیز - است که طی آن مازاد جمعیت روستایی و کشاورز در فرآیند توسعه به شهر مهاجرت می‌کنند تا از یک طرف بازماندگان در روستا فضا و غذای کافی برای ادامه زندگی بیابند و هم مهاجران در شهر به نیروی کار صنعتی و خدماتی جدید مورد نیاز بپیوندند. یکی از شاخصه‌های توسعه در قرن بیستم میلادی کاهش نسبت نیروی کار در مشاغل بخش کشاورزی در همه کشورهای در حال توسعه بوده است. به هر حال بدون اصلاحات ارضی نیز این پدیده در ایران اتفاق می‌افتاد. گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم که در اوایل سال ۱۳۴۰ تهیه و تدوین شد خود به روشنی این فرآیند را پیش‌بینی و برآورد کرده است:

لازمه پیشرفت کشور این است که گروه‌های بزرگ از این جمعیت (جمعیت روستانشین و فقیر ایران) تدریجاً دست از مشاغل روستایی کشیده و به سوی سایر مشاغل روی آوردند و در عین حال پیشرفت صنعتی کشور باید آن‌چنان باشد که بتواند به آسانی برای این دسته از کارگران شغل ایجاد کند. لازمه این امر هم‌چنین افزایش قدرت تولید زمین و کارگران کشاورزی است... هم‌زمان با زیادی کارگر در قسمت کشاورزی سایر قسمت‌های اقتصاد ما دچار کمبود شدید کارگر ماهر می‌باشد.^{۵۲}

این برنامه، هم‌چنین مسأله مهاجرت روستاییان به شهرها را پیش‌بینی کرده و تشدید بیکاری در شهرهای بزرگ را گوشزد می‌کرد و بیان داشته بود که «تغییر حاصل در توزیع جغرافیایی نیروی

۵۰. جهانگیر آموزگار، فراز و فرود دودمان پهلوی، ترجمه اردشیر لطفیان، (تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب)، ص ۳۲۱.

۵۱. آبراهامیان، ص ۵۲۷.

۵۲. گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم ایران، ص ۲۰.

انسانی ممکن است در عین این که موجب کاهش کم کاری یا بیکاری پنهان در نواحی روستایی شود، تعداد بیکاران را در شهرهای بزرگ نیز افزایش دهد. بدین ترتیب امکان دارد که میزان کاهش کم کاری در نواحی روستایی بیش از میزان افزایش بیکاری در شهرها باشد.^{۵۳}

نتایج برنامه عمرانی سوم

اجرای برنامه عمرانی سوم و از آن مهم تر انجام برنامه اصلاحات ارضی در نیمه نخست دهه ۱۳۴۰ شمسی در تغییر بافت جمعیتی ایران از طریق مهاجرت روستاییان به شهرها، تغییراتی ایفا کرد و بر ساختار فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ایران چنان تأثیر ژرفی برجا گذاشت که شاید بتوان انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ را یکی از پیامدهای آن برشمرد. از این رو، به لحاظ تاریخی اهمیت دارد دانسته شود آیا طراحان و مجریان این برنامه خود به خوبی از پیامدهای آنچه انجام می دادند آگاهی داشته اند یا نه. اسناد نشان می دهند که طراحان اصلاحات ارضی، به اهمیت اصلاحات و پیامدهای آن آشنایی داشته اند. در جلسه شورای اقتصاد در ۱۷ تیرماه ۱۳۴۷ یعنی در پایان برنامه سوم و ماه های آغازین اجرای برنامه چهارم، شاه گفته بود: «چون در نظر داریم تا یک نسل دیگر تناسب جمعیت شهرنشین و روستائین را در این کشور معکوس نماییم، لذا لازم است از حالا روستائینان یک نوع تعلیمات بخصوصی ببینند تا بعداً بتوانند در صنایع و کارگاه ها مشغول به کار شوند.»^{۵۴} در این جلسات شاه مکرراً از درآمد سرانه اندک روستائیان کشور ابراز نارضایتی می کرد و برای حل این مسأله افزایش مقدار زمین های زیر کشت، افزایش بازده زمین ها از طریق ساخت سدها و شبکه های آبیاری بزرگ، کوچک شدن بُعد خانوارهای روستایی، جذب سریع تر و بیشتر سرمایه از جمله سرمایه های خارجی به بخش کشاورزی و سرانجام تشکیل شرکت های تعاونی کشاورزی را چاره ساز می دانست: «در آینده مزارع ما باید ۲۰ تا ۳۰ هکتار وسعت داشته باشد و خانه کشاورز حتماً در مزرعه متعلق به خود او بنا شود.»^{۵۵}

نتایج واقعی اجرای برنامه عمرانی سوم در بخش کشاورزی و نیز اصلاحات ارضی دست کم به آن اندازه که مخالفان یا حتی خود برنامه ریزان و طراحان برنامه ادعا می کردند یا انتظار داشتند ناامید کننده از کار درنیامد. جدول شماره ۲ بخشی از این نتایج را به تصویر کشیده است.

۵۳. گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم ایران، ص ۳۴.

۵۴. نیک پی، ج ۲، ص ۲۱۱.

۵۵. همان، ج ۲، ص ۳۱.

جدول ۲. آمار تولید محصولات کشاورزی در سال‌های ۱۳۴۶-۱۳۴۱ (تن)

| درصد افزایش تولید سال ۱۳۴۶ به ۱۳۴۱ | | ۱۳۴۶ | ۱۳۴۵ | ۱۳۴۴ | ۱۳۴۳ | ۱۳۴۲ | ۱۳۴۱ | محصولات |
|------------------------------------|--------------------|---------|---------|---------|---------|---------|---------|-------------------|
| پیش بینی رشد برنامه | افزایش تولید واقعی | | | | | | | |
| ۳۲ | ۷۳ | ۱۶۲۰۶۷ | ۱۵۴۳۵۰ | ۱۴۷۰۰۰ | ۱۲۱۳۴۲ | ۱۲۴۶۴۳ | ۹۳۹۴۳ | پنبه چین شده |
| ۲۲ | ۷۹ | ۳۷۵۷۱۸ | ۳۷۵۸۱۷ | ۳۴۰۷۸۸ | ۲۶۷۹۴۷ | ۲۷۷۳۴۴ | ۲۰۹۹۴۱ | پنبه دانه |
| ۴۱ | ۱۰۱ | ۱۵۳۶۸۸۵ | ۱۴۶۳۷۰۰ | ۱۳۹۴۰۰۰ | ۱۲۸۱۵۷۹ | ۱۹۰۹۴۹ | ۷۶۵۷۴ | چغندر قند |
| - | ۴۹ | ۲۸۱۱۷۵ | ۲۶۸۳۳ | ۲۵۵۵۵ | ۱۹۳۷۰ | ۱۲۳۷۲ | ۱۸۸۵۹ | توتون و تنباکو |
| ۵۸ | ۳۸ | ۱۶۰۳۳ | ۱۵۲۶۰ | ۱۴۵۳۳ | ۱۰۴۵۹ | ۱۲۴۲۰ | ۱۱۶۴۵ | چای |
| ۴۰ | ۳۳ | ۷۵۱۱۷۲ | ۷۱۵۴۰۲ | ۶۸۱۳۳۵ | ۶۱۵۲۰۰ | ۵۷۳۹۷۳ | ۵۶۶۷۰۰ | برنج |
| ۲۷ | ۲۰ | ۳۳۰۷۵۰۰ | ۳۱۵۰۰۰۰ | ۳۰۰۰۰۰۰ | ۲۶۲۲۵۷۵ | ۲۴۶۸۱۴۰ | ۲۷۵۴۷۴۰ | گندم |
| ۱۰ | ۱۵ | ۸۲۰۰۰ | ۸۴۰۰۰۰ | ۸۰۰۰۰۰ | ۷۱۸۴۳۹ | ۷۴۰۴۲۲ | ۷۶۷۳۹۹ | جو |
| ۱۴ | ۴ | ۱۱۷۲۸۲۰ | ۱۶۸۸۴۰۰ | ۱۶۰۸۰۰۰ | - | - | ۱۷۱۰۰۰۰ | شیر |
| ۵ | ۲۰ | ۲۵۰۹۷۱ | ۲۳۹۰۲۰ | ۲۲۷۶۳۸ | ۲۰۰۷۷۷ | ۱۹۹۸۲۹ | ۲۰۸۷۴۳ | گوشت گاو و گوساله |
| ۹ | ۲۰ | ۶۲۷۴۳ | ۵۹۷۵۵ | ۵۶۹۱۰ | ۵۰۱۹۵ | ۴۹۹۵۷ | ۵۲۱۸۵ | گوشت گوسفند و بز |
| ۱۰ | -۱۷ | ۳۶۹۳۴ | ۳۵۱۷۵ | ۳۳۵۰۰ | - | - | ۴۴۷۰۰ | پشم و کرک و مو |
| ۲۰ | ۳۱ | ۵۶۵۵۸ | ۵۳۸۶۵ | ۵۱۳۰۰ | ۴۸۵۰۰ | ۴۷۲۰۰ | ۴۳۲۰۰ | تخم مرغ |
| ۱۰ | ۳۶ | ۱۲۴۵۸۲ | ۱۱۸۶۵۰ | ۱۱۳۰۰۰ | ۱۱۱۰۰۰ | ۱۰۲۱۲۵ | ۹۱۴۸۲ | حبوبات |
| ۴۱ | ۲۰ | ۱۳۷۸۱۲۵ | ۱۳۱۲۵۰۰ | ۱۲۵۰۰۰۰ | ۱۲۵۰۰۰۰ | ۱۱۰۰۰۰۰ | ۱۱۵۰۰۰۰ | میوه جات |

چنان که جدول شماره دو نشان می‌دهد^{۵۶} با وجود آن که سطح تولیدات کشاورزی در مجموع به اهداف تعیین شده در برنامه نرسید، اما مجموع تولید ۱۵ قلم محصول کشاورزی و دامی کشور در مدت ۵ سال حدود ۲۶ درصد افزایش یافت که متوسط رشد تولید سالانه ۴/۵ درصد را به نمایش می‌گذاشت. افزایش تولید برخی اقلام استراتژیک مانند پنبه ۷۹ درصد، چغندر قند ۱۰۱ درصد، برنج ۳۳ درصد، گندم ۲۰ درصد، گوشت قرمز ۲۰ درصد و حبوبات ۳۶ درصد بود. در جلسه نهم اردیبهشت سال ۱۳۴۷ شورای اقتصادی یکی از مسائل مطرح شده مازاد عظیم گندم تولیدی کشاورزان بود که در نهایت تصمیم گرفته شد ۵۰۰ هزار تن از تولیدات مازاد گندم آن سال صادر شود و برای احداث انبار گندم به ظرفیت ۲۰۰ هزار تن مبلغ ۱۷۴ میلیون تومان اعتبار در اختیار سازمان غله قرار گیرد.^{۵۷}

در سال ۱۳۴۷ و در مقایسه با سال ۱۳۴۳، تعهدات فروش ارز صادرکنندگان به شبکه بانکی در مورد ماهی تازه ۳۸۶ درصد، پیاز ۷۰ درصد، سیب‌زمینی ۴۹۱ درصد، سبزی تازه ۱۰۶ درصد، حبوبات ۵۸۷۳ درصد (حدود ۶۰ برابر)، خرما ۲ درصد، کشمش ۱۱۵ درصد، برنج ۱۷۲۵ درصد (۱۸ برابر) و قالی و قالیچه ۷۲ درصد افزایش یافته بود که به معنای صادرات بیشتر مطابق همین نرخ‌های مندرج در بالاست. مجموع صادرات غیرنفتی کشور که عمدتاً مواد غذایی و کشاورزی و تولیدات روستایی را شامل می‌شد، با ۴۲ درصد افزایش از ۱۵۳ میلیون دلار در سال ۱۳۴۳ به ۲۱۷ میلیون دلار در سال ۱۳۴۷ رسید که رشد سالانه‌ای معادل ۹ درصد را بازتاب می‌داد.^{۵۸}

از سوی دیگر به موازات افزایش تولید محصولات کشاورزی و روستایی در همین سال‌ها و نیز سال‌های بعد، واردات این محصولات نیز رو به افزایش گذاشت. علت این پدیده اساساً پیش افتادن نرخ رشد اقتصادی و رشد درآمد سرانه از سرعت رشد تولیدات محصولات کشاورزی بود که رشد مصرف را بیش از رشد تولید قرار می‌داد. میزان کل واردات از ۵۱۴ میلیون دلار در سال ۱۳۴۲ به ۱۳۸۹ میلیون دلار در سال ۱۳۴۷ رسید که مبین رشد ۱۷۱ درصدی در ۴ سال بود. از نظر وزن نیز واردات کشور در همین مدت ۴۳ درصد افزایش یافت. به‌طور کلی سرعت رشد واردات ایران در دوره ۱۳۴۲ - ۱۳۴۷ بیش از ۴ برابر سرعت رشد صادرات غیرنفتی بود. شکاف ارزی بین صادرات غیرنفتی و واردات که در سال ۱۳۴۲ حدود ۳۸۶ میلیون دلار بود، در سال پایانی برنامه سوم یعنی

۵۶. گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم، ص ۳۳.

۵۷. نیک‌بی، ج ۲، ص ۱۷۴ و ۱۷۵.

۵۸. «آمارهای جاری بانک مرکزی ایران (سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۹)»، مجله بانک مرکزی ایران، ش ۱۰۴ (اردیبهشت ۱۳۴۹).

۱۳۴۶ به یک میلیارد دلار افزایش یافت. تا سال ۱۳۴۷ این شکاف به ۱۱۷۲ میلیون دلار رسید.^{۵۹} علت دیگر افزایش شکاف بین صادرات و واردات بی‌انضباطی اقتصادی بود. مسئولان وقت به این نتیجه رسیده بودند که افزایش فاصله میان واردات و صادرات غیرقابل تداوم و به گفته شاه «خجالت‌آور» است. او چاره کار را در افزایش صادرات به‌ویژه صادرات محصولات کشاورزی می‌دانست: «اساس کار در مورد فرآورده‌های کشاورزی است. ما باید حقیقتاً از این وضع خجالت‌آور خارج شویم. باید هر میزان اعتباری که می‌توانیم برای پیشرفت امور کشاورزی تخصیص دهیم و خود مردم را نیز تشویق به سرمایه‌گذاری صحیح در کارهای کشاورزی نماییم.»^{۶۰}

چنان‌که در برنامه نیز پیش‌بینی شده بود نیروی کار شاغل در بخش کشاورزی ایران طی این دوره کاهش یافت و از ۳/۳ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به کمتر از ۳/۲ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ رسید که نشان‌دهنده ۵ درصد کاهش در مدت ۱۰ سال بود. با توجه به افزایش اشتغال در کل اقتصاد ملی به میزان ۱۶ درصد در همین دوره، سهم اشتغال کشاورزی در کل اشتغال کشور، از ۵۶/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۴۶/۲ درصد در سال ۱۳۴۵ سقوط کرد.^{۶۱} به این ترتیب، فرآیند تاریخی و برگشت‌ناپذیر کاهش سهم اشتغال کشاورزی به کمتر از ۵۰ درصد کل اشتغال کشور، در برنامه عمرانی سوم اتفاق افتاد و دقیقاً از سال ۱۳۴۲ به بعد با وجود آن‌که تا سال ۱۳۵۱ شمار مطلق شاغلان کشاورزی مجدداً رو به افزایش نهاد و به ۳/۷ میلیون نفر رسید، نسبت شاغلان کشاورزی هرگز به مرز ۵۰ درصد کل شاغلان کشور نزدیک نشد.^{۶۲}

به موازات کاهش اشتغال کشاورزی، به‌طور مطلق و نسبی سرعت رشد جمعیت مناطق روستایی کشور نیز در طول برنامه عمرانی سوم به طرز چشم‌گیری کمتر از متوسط سرعت رشد جمعیت کل کشور بود. میان سال‌های ۱۳۴۶ - ۱۳۴۱ جمعیت کشور ۱۸ درصد بیشتر شد. حال آن‌که در همین مدت جمعیت روستایی کشور فقط ۱۲ درصد افزایش یافت.^{۶۳} تا سال ۱۳۴۶ و حتی تا یک دهه بعد، شمار متولدین ثبت شده در روستاها بیش از مناطق شهری و تا ۲ برابر آن بود. مثلاً در سال ۱۳۴۶ شمار متولدین ثبت شده روستاها ۶۶۱ هزار نفر و مناطق شهری ۳۵۹ هزار نفر بود.^{۶۴}

۵۹. گزارش سالیانه و ترازنامه بانک مرکزی ایران در پایان اسفند ۱۳۴۷ (تهران: بانک مرکزی ایران، ۱۳۴۷)، ص ۱۳۷ - ۱۳۵.

۶۰. نیک‌پی، ج ۲، ص ۱۷۳.

۶۱. حساب‌های ملی ایران ۱۳۵۶ - ۱۳۳۸، ص ۳۷۲.

۶۲. همان، ص ۳۷۳.

۶۳. سالنامه آماری ۱۳۵۲ کشور (تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۵۳)، ص ۳۹.

۶۴. همان، ص ۴۰.

کاهش شمار شاغلان بخش کشاورزی در کنار رشد متوسط سالانه ۲/۵ درصدی ارزش افزوده این بخش، به معنای آن است که اصلاحات ارضی و اجرای برنامه عمرانی سوم، درآمد سرانه هر شاغل کشاورزی را در طول سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ به طور متوسط و سالانه ۳ تا ۳/۵ درصد افزایش داده است. این رقم از هدف ۳/۵ درصدی مورد نظر برنامه کمتر نیست؛ اما از عملکرد متوسط دوره اجرای آن در سراسر کشور یعنی سالانه ۵/۳ درصد کمتر است و نشان می‌دهد که متوسط افزایش درآمد کشاورزان در طول دوره برنامه عمرانی سوم، حدوداً معادل نصف دیگر شاغلان در بخش‌های شهرنشین بوده است.

از این جنبه و در مقام نسبت و مقایسه، برنامه عمرانی سوم شکست خورد؛ زیرا هدف اصلی برنامه، چنان‌که دیدیم بهبود معیشت روستا و کاستن از شکاف طبقاتی به‌ویژه بین شهر و روستا بود. با وجود بهبود اوضاع زیستی و معیشتی روستا، فاصله میان شهر و روستا ترمیم نیافت و حتی بیشتر هم شد: در گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم در این خصوص چنین آمده است:

اگرچه به‌طور کلی عملیات انجام شده بسیار مفید و در آبادانی روستاها مؤثر بوده است، لیکن انجام این عملیات کافی نبوده است و از لحاظ نوسازی روستاها نتایج مطلوب به‌دست نیامده است. در صورت مقایسه جمعیت کثیر روستائیان (۶۲ درصد از کل جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند) با مردم شهرنشین و مقایسه عملیات انجام شده در شهرها و دهات باید اذعان کنیم که پیشرفت برنامه عمران دهات در دوران برنامه سوم بسیار ناچیز و غیرمکفی بوده است.^{۶۵}

آثار این شکست تماماً خود را تا یک دهه بعد در همه ساختارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اجتماعی ایران ظاهر کرد و مناسبات حاکم بر کشور را تا مدت‌ها تحت سلطه گرفت. تا سال ۱۳۴۷ یعنی یک سال پس از پایان برنامه سوم، متوسط هزینه‌های خوراکی و غیر خوراکی یک خانوار روستایی ایران، هنوز کمتر از ۴۸ درصد هزینه خانوار مشابه در مناطق شهری بود که تازه نزدیک به دو سوم یعنی ۶۴/۴ درصد آن فقط به خوراک اختصاص می‌یافت.^{۶۶}

نتیجه‌گیری

تحولات اقتصادی - اجتماعی نیمه نخست دهه ۱۳۴۰ شمسی نشان می‌دهد که اگرچه عملکرد برنامه سوم عمرانی در مجموع خراشی سطحی به مناسبات چندین هزار ساله روستا در ایران وارد

۶۵ گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم، ص ۴۵.

۶۶ سالنامه آماری ۱۳۵۲ کشور، ص ۶۳۰ - ۶۳۳ - ۶۳۲.

کرد، اما در عین حال در کنار برنامه اصلاحات ارضی و اجرای موفقیت‌آمیز آن، به تشدید فاصله میان شهر و روستا انجامید و مقدمات عظیم‌ترین موج مهاجرت داخلی و سیلاب امواج انسانی تاریخ ایران را از روستا به شهر و پیامدهای سیاسی - اجتماعی بعدی آن فراهم کرد. برخلاف آن چه معمولاً در مورد عملکرد بخش کشاورزی و عمران روستایی این دوره گفته می‌شود، رشد سالانه بخش کشاورزی ایران در دوره ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶، به‌طور متوسط معادل ۲/۸ درصد بود که با توجه به کاهش جمعیت شاغل در بخش کشاورزی به معنای افزایش حتی بیشتر بازدهی سرانه در این حوزه شد.^{۶۷}

اگر از عیب بزرگ و ظاهراً همیشگی مباحث اقتصادی ایران یعنی تفاوت‌های بزرگ و نابخشدنی در نظام آمارگیری و نتایج و داده‌های آن در اسناد و متون مختلف به‌ناچار چشم‌پوشی شود، می‌توان چنین داوری کرد که با به ثمر نشستن سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و نیز تکمیل فرآیند اجرای اصلاحات ارضی سرعت رشد ارزش افزوده این بخش رو به افزایش گذاشت. ظرف سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱ یعنی در مدت سه سال پیش از شروع برنامه عمرانی سوم و اصلاحات ارضی به قیمت ثابت رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی جمعاً و برای هر سه سال ۲/۵ درصد بود. در چهار سال بعد این نرخ به ۷/۳ درصد رسید، یعنی ۲/۲ درصد برابر شد؛^{۶۸} اما در دو سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ این رشد به تنهایی همه رشد سال‌های ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۵ را پشت سر گذاشت و به ترتیب به ۷/۹ و ۵ درصد افزایش یافت.^{۶۹} برخی منابع رسمی متوسط رشد سالیانه ارزش افزوده بخش کشاورزی را در برنامه سوم ۴/۶ درصد هم ارزیابی کرده‌اند.^{۷۰}

با این همه، این عملکرد مثبت و موفقیت‌آمیز، در مقایسه با رشد بقیه اجزاء اقتصاد ایران که در شهر اتفاق می‌افتاد، نشان‌دهنده شکست برنامه سوم در روح اصلی آن یعنی کاهش فاصله هم در میان طبقات اجتماعی و هم میان شهر و روستا بود. در همین مدت یعنی در فاصله سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ و در حالی که متوسط رشد سالانه ارزش افزوده بخش کشاورزی بسته به منابع مختلف بین ۲/۸ درصد تا ۴/۶ درصد بود، همین رقم در مورد بخش صنعت ۱۱/۳ درصد ثبت شد. متوسط رشد اقتصادی کشور در این دوره نیز ۸/۴ درصد بود که به ترتیب ۲ و ۳ برابر سرعت رشد بخش

۶۷ گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم، ص ۱۴.

۶۸ سازمان برنامه، برنامه چهارم عمرانی کشور ۱۳۵۱-۱۳۴۷ (تهران، بی‌تا)، ص ۵.

۶۹ گزارش سالیانه و ترازنامه بانک مرکزی ایران در پایان اسفند ۱۳۴۷، ص ۱۶۳.

۷۰ همان، ص ۴۰.

کشاورزی را نشان می‌دهد.^{۷۱}

چنان‌که برنامه سوم خود پش‌بینی کرده بود، این تفاوت چشم‌گیر در سرعت رشد اقتصادی و تولید ثروت میلیون‌ها نفر از روستائیان را که بیکاری پنهان آن‌ها نیز به تدریج آشکار می‌شد، به سوی شهرها و به‌ویژه شهرهای بزرگ سرازیر کرد. طی دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، شمار جمعیت شاغل کشور ۹۵۰ هزار نفر یعنی ۱۶ درصد در مدت ۱۰ سال افزایش یافت. اما در همین مدت شمار بیکاران ۴/۶ برابر شد و نرخ بیکاری از ۲/۶ درصد به ۹/۶ درصد رسید که نه‌تنها برای ساختار اقتصادی - اجتماعی با ظرفیت‌ها و ویژگی‌های آن روز ایران بالا بود، بلکه اساساً برای نخستین‌بار در تاریخ معاصر ایران پدیده بیکاری را به شکل نوین آن ظاهر ساخت و مطرح کرد.^{۷۲} بخش اصلی این بیکاران جدید به تعداد ۷۲۶ هزار نفر تا سال ۱۳۴۵ را روستائیان تشکیل می‌دادند که به شهرها مهاجرت می‌کردند.^{۷۳} برای اثبات این مدعا باید اشاره کرد که ظرف سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ حدود ۱/۸ میلیون نفر به جمعیت مناطق روستایی کشور افزوده شد؛ حال آن‌که شمار متولدان روستاها در همین مدت بیش از ۳/۷ میلیون نفر بود. متقابلاً و در مناطق شهری به ازای ۱/۷ میلیون تولد، بیش از ۲/۳ میلیون نفر به جمعیت اضافه شد.^{۷۴}

اصلاحات ارضی و برنامه‌ریزی علمی اقتصادی به شکل نوین آن، ساختارهای سیاسی و اجتماعی و حتی فرهنگی ایران را دگرگون کرد. مثلاً ظرف سال‌های ۱۳۳۵ که متوسط رشد سالانه جمعیت کشور اندکی بیش از ۳ درصد بود، همین نرخ در همان مدت در شهر تهران به ۵/۷ درصد، کرج ۱۱/۸ درصد، قرچک ۲۱/۶ درصد و نظرآباد ۱۳/۵ درصد رسید.^{۷۵} به‌نظر می‌رسد از یک‌سو اجرای سریع اصلاحات ارضی و از سوی دیگر شکست نسبی برنامه عمرانی سوم در ارتقاء وضع زیستی و درآمدی مناطق روستایی دست‌کم به اندازه مناطق شهری، در کنار پیش‌بینی و جهت‌گیری روشن برنامه سوم در فرستادن امواج عظیم انسانی از روستا به شهر، عامل اصلی شکل‌گیری بزرگ‌ترین موج مهاجرت داخلی تاریخ ایران در سده‌های اخیر و نیز تمام

۷۱. گزارش سالیانه و ترازنامه بانک مرکزی ایران در پایان اسفند ۱۳۴۷، ص ۴۰.

۷۲. حساب‌های ملی ایران ۵۶ - ۱۳۳۸، ص ۳۷۲.

۷۳. گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم، ص ۱۵.

۷۴. سالنامه آماری ۱۳۵۲ کشور، ص ۳۷ و ۴۰.

۷۵. برای آگاهی کلی درباره رشد جمعیت شهری تهران در این دوره و مقایسه با دیگر دوره‌ها، نک: شبنم اینانلو، «تأثیر رشد جمعیت تهران بر سرانه فضای سبز شهری»، فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت‌احوال کشور، شماره‌های ۱۹ و ۲۰ (بهار و تابستان ۱۳۷۶)، ص ۱۱۴؛ همچنین نک: راهنمای جمعیت شهرهای ایران ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ (تهران، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۸)، ص ۱۷۶ تا ۲۲۳.

پیامدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی پس از آن بوده است.

کتابنامه

- آبراهامیان، یرواند. *ایران بین دو انقلاب: درآمدی بر جامعه‌شناسی ایران معاصر*. ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی. تهران: نشرنی ۱۳۷۷.
- «آمارهای جاری بانک مرکزی ایران (سال‌های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۹)»، *مجله بانک مرکزی ایران*، ش ۱۰۴ اردیبهشت ۱۳۴۹.
- آموزگار، جهانگیر. *فراز و فرود دودمان پهلوی*. ترجمه اردشیر لطفعلیان. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۷۶.
- ارسنجانی، نورالدین. *دکتر ارسنجانی در آئینه زمان*. تهران: قطره، ۱۳۷۹.
- اینانلو، شبنم. «تأثیر رشد جمعیت تهران بر سرانه فضای سبز شهری». *فصلنامه جمعیت، سازمان ثبت‌احوال کشور*، شماره‌های ۱۹ و ۲۰، بهار و تابستان ۱۳۷۶. ص ۱۲۲ - ۱۱۳.
- بازرگان، مهدی. *خاطرات بازرگان: شصت سال خدمت و مقاومت*. به کوشش غلامرضا نجاتی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۷.
- برنامه چهارم عمرانی کشور ۱۳۵۱-۱۳۴۷. تهران: سازمان برنامه، بی‌تا.
- پیشگفتار قانون برنامه عمرانی ۵ ساله سوم کشور خلاصه برنامه صنایع و معادن. تهران: سازمان برنامه، ۱۳۴۰.
- جزنی، بیژن. *تاریخ وقایع سی ساله سیاسی اخیر در ایران*. تهران: مازیار، ۱۳۵۸.
- حساب‌های ملی ایران ۱۳۵۶-۱۳۳۸. تهران: بانک مرکزی ایران، ۱۳۶۰.
- راهنمای جمعیت شهرهای ایران ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰. تهران: وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۸.
- سالنامه آماری ۱۳۵۲ کشور. تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۵۳.
- عاقلی، باقر. *روز شمار تاریخ ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی*. تهران: نشر گفتار، ۱۳۷۹.
- فرمانفرمائیان، خداداد، عبدالمجید مجیدی و منوچهر گودرزی. *توسعه در ایران: ۱۲۵۷-۳۱۲۰*. تهران: نشر گام نو، ۱۳۸۱.
- قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد. تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸.
- گزارش اجرایی برنامه هفت ساله دوم. تهران: سازمان برنامه، ۱۳۴۳.
- گزارش سالیانه و ترازنامه در پایان اسفند ۱۳۴۷. تهران: بانک مرکزی ایران، ۱۳۴۷.
- گزارش عملکرد برنامه عمرانی سوم ۱۳۴۶-۱۳۴۱. تهران: سازمان برنامه، بی‌تا.
- گزارش مقدماتی برنامه عمرانی سوم ایران. تهران: سازمان برنامه، ۱۳۴۰.
- مجموعه قوانین مربوط به برنامه‌های عمرانی کشور، ۱۳۲۷-۱۳۶۸. بی‌نام، بی‌جا، بی‌تا.
- نیک‌پی، غلامرضا. *صورت جلسات شورای اقتصاد در پیشگاه شاهنشاه آریامهر یا مجموعه‌ای از اسناد معاصر ایران*. بی‌جا، بی‌تا، بی‌تا.